

آتا، بابا سوزلری «گ» حرفی و فارسی ترجمه سی

گنجه شهره گندن چوخ اولار ، قیشدا بوستان اکن.

گ حرفی

گورولّ اما یاغما.

«رعد و برق بزنی ولی نیار.»

گنجه شهره گندن چوخ اولار ، قیشدا بوستان اکن.

«شب کسی که میگوید به شهر می‌روم زیاد است ، زمستان کسی که می‌گوید جالب‌تر خواهم کاشت .»

گل باپیشما گؤچون جاتمایان داشا* گؤتوره بیلمزسن زورا دؤشرسن.

« عزیز به اندازه چیزی که می‌توانی عمل کنی حرف بزنی .»

گنجه اودونا گندن چوخ اولار.

« قصه شب دراز است.»

گولده ن تیکان اولار تیکاندان گول.

«از گل تیغ میشود و از تیغ گل.»

گولمه فونشووا ، گلر باشووا.

«به همسایه نخند ، سر خودت هم میاد.»

